

تحلیل زمینه‌ای شکست کارکردهای تعاونی مرزنشینان استان کردستان
در بستر اقتصاد غیررسمی مرزی*
حسین دانش‌مهر^۱، علیرضا کریمی^۲، عثمان هدایت^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تحلیل زمینه‌ای سازوکارهای شکست کارکردهای تعاونی‌های مرزنشینان استان کردستان انجام گرفته است. برای تحقق این امر، با از اشباع نظری حاصل از داده‌های مصاحبه نیمه‌ساخت‌یافته، با ۴۱ نفر از اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل تعاونی‌های مرزنشینان چهار شهرستان مرزی استان کردستان مصاحبه به‌عمل آمد. نتایج نشان از وجود شرایط توسعه‌نیافتگی مرزی ناشی از ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و اقتصادی دارد. شرایط علی و مداخله‌ای شکست تعاونی‌ها در اقتصاد غیررسمی مرز نشان داد سیطره سیاست‌های متناقض نهادهای دولتی و مشارکت‌نداشتن و ناآگاهی اعضا از تعاونی‌ها، شرایط این شکست را فراهم آورده است. این وضعیت، ناکارایی و ضعف تعاونی‌ها را نشان می‌دهد که در پیامدها و آسیب‌های اجتماعی اقتصادی پیش‌رو قابل‌بحث است. شکست کارکردی تعاونی‌ها سبب پیامدهایی از جمله شکست طرح کارت مرزنشینی و کارت سوخت، بی‌توجهی به اشتغال مرزنشینان، کولبری و آسیب‌های آن، کاهش ماندگاری روستائینشان در مناطق مرزی، اضمحلال اقتصاد محلی و مشکلات شدید اقتصادی و همچنین کاهش اعتماد اجتماعی در دو بعد نهادی و مردمی شده است؛ بنابراین می‌توان برای ماندگاری و ارتقای جایگاه و نقش تعاونی‌ها، به اتخاذ راهکارهای حمایتی و نظارتی دولتی، تقویت مشارکت عمومی جامعه روستایی و تقویت بنیه مالی تعاونی پرداخت.

واژه‌های کلیدی: اقتصاد مرزی، تعاونی مرزنشینان، روش زمینه‌ای، مناطق روستایی استان کردستان.

* مقاله پژوهشی، پژوهش مستقل

۱. دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران (نویسنده مسئول)، hdaneshmehr@yahoo.com

۲. استادیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران، alireza.karimi@khu.ac.ir

۳. دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز،

ایران، osmaanheyat68@gmail.com

Contextual Analysis of the Failure of Cooperative Functions of Border Dwellers in Kurdistan Province in the Context of Informal Border Economy*

Hossein Daneshmehr¹, Alireza Karimi², Osman Hedayat³

Received: February 20, 2022

Accepted: August 20, 2022

Abstract

This study is based on the analysis of the mechanisms of failure of cooperatives in the border areas of Kurdistan province. To achieve this, using the theoretical saturation obtained from the semi-structured interview data with 41 members of the board The board and CEO of border cooperatives of four border towns of Kurdistan province came to this end. The results show the existence of conditions of border underdevelopment due to weak communication and economic infrastructures. The causal and intervening conditions for the failure of cooperatives in the informal economy of the border showed that the dominance of the contradictory policies of state institutions and the lack of participation and knowledge of members about the cooperatives provided the conditions for this failure. This situation shows the lack of efficiency and weakness of the cooperatives, which is reflected in the consequences and socio-economic damages. The functional failure of the cooperatives has consequences such as the failure of the border resident' card and the fuel card plan, the neglect of the employment of border residents, cultism and its damage, the reduction of the life expectancy of villagers in border areas, the collapse of the local economy and serious economic problems, and a decline in trust. It has become social in two dimensions: institutional and popular. Therefore, in order to maintain and improve the position and role of cooperatives, it is possible to apply government support and monitoring strategies, strengthen the general participation of the rural community, and improve the financial base of the cooperative.

Keywords: Border Residents Cooperative, Function of Cooperatives, Border Economics, Metood Theory, Rural areas, Kurdistan Province.

* Research paper, Independent Research

1. Associate Professor, Department of Sociology, University of Kurdistan, Kurdistan, Iran (Corresponding author), hdaneshmehr@yahoo.com

2. Assistant Professor, Department of Sociology, Kharazmi University, alireza.karimi@khu.ac.ir

3. PhD Candidate, Department of Sociology, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran, osmaanhedayat68@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

سابقه تعاونی در ایران به‌مثابه تشکل (در عین بی‌شکلی آن)، هرچند به درازای تاریخ است، تنها در دوره معاصر است که صیغه قانونی و رسمی پیدا کرده (در سال ۱۳۰۴ پس از تصویب قانون تعاونی) و به شکلی -بیشتر مفهومی- مناقشه‌برانگیز و گاهی پرمدعا مسئله‌مند شده است. از همان ابتدا این مسئله‌مندی با سیاست‌های دولتی، راهبردهای متناقض و راهبردهای کل‌گرایانه حاکمیتی گره خورده و جامعه را به‌طور مستقیم دستخوش تحول کرده است. با وجود این، یکی از ارکان اصلی ساختار اجتماعی-سیاسی کشور، به‌جز بخش دولتی و خصوصی، تعاونی است که در قالب انواع تعاونی نمود یافته است. تعاونی مرزنشینان یکی از انواع تعاونی‌ها است که هدفش جلوگیری از مهاجرت، تأمین کالا و مایحتاج مردم منطقه، ایجاد روحیه تعاون بین اعضا و کاهش مشکلات دولت در تأمین کالای مردم مناطق مرزی است (سایت سامانه مدیریت تعاونی‌های مرزنشینان^۱، ۱۳۹۹).

مشکلات طبیعی و اقتصادی برخی از این مناطق، به‌ویژه در بخش‌های کشاورزی، صنعت، مهاجرت، تفاوت‌ها و عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فضایی بین مناطق مرکزی و مرزی به دولت‌های وقت سبب شده به‌منظور محرومیت‌زدایی، ایجاد اشتغال، نگهداشت جمعیت، جلوگیری از تخلیه مناطق مرزی و وقوع قاچاق، تمهیداتی را در مبادلات بازرگانی نواحی مرزی لحاظ کنند (کوهسار و همکاران، ۱۳۹۵). در نتیجه این امر ایجاد تعاونی مرزنشینان را ایجاب کرده است.

ویژگی‌هایی نظیر دوری از مرکز، انزوای جغرافیایی، ناپایداری سکونت، تفاوت‌های فرهنگی، تهدیدات خارجی و قاچاق (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۸۱) که بیشتر از ساختار مناطق مرزی ناشی می‌شود، به‌لحاظ اتخاذ سیاست‌های توسعه‌ای و برنامه‌های غیرآمایشی، پیامدهای نامطلوبی برای این مناطق به‌همراه دارد که مهم‌ترین آن‌ها محرومیت شدید، حاشیه‌ای‌بودن این مناطق و قرارنگرفتن آن‌ها در مسیر توسعه کشور است. چنین دغدغه‌هایی موجب شده مناطق مرزی و تأثیرات مرزی، در تحقیقات توسعه‌ای اعم از اقتصادی و اجتماعی مورد توجه واقع شوند؛ زیرا این استنباط و تصور ایجاد شده که این مناطق ویژه موجب سازگاری، همسانی اقتصادی، تثبیت امنیت و پایداری جمعیت می‌شوند (نایبور و ستیلر^۲، ۲۰۰۲: ۳). در واقع اقتصاد مناطق مرزی خود

1. [Http://marzneshinan.blog.ir](http://marzneshinan.blog.ir)

2. Niebuhr and Stiller

می‌تواند نقشی اساسی در ترقی، پیشرفت و توسعه اقتصادی نواحی مرزی، بهبود استانداردهای زندگی مردم، کاهش فقر، توزیع مناسب درآمد و همگرایی اقتصادی نواحی مرزی داشته باشد. یکی از بخش‌های اقتصاد مناطق مرزی با توجه به محدودیت‌های ساختاری، سیاسی و جغرافیایی، مربوط به بخش اقتصاد غیررسمی است که تعاونی‌های مرزنشین را می‌توان در آن جای داد و می‌تواند نقش کاربردی مهمی برای اقتصاد و اجتماع این مناطق ایفا کند.

با این اوصاف، ساختارهای خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی ایجاد می‌کند که راهبرد کلان توسعه این مناطق، براساس حداکثر استفاده از امکانات موجود تنظیم شود؛ به‌گونه‌ای که آثار مثبت آن بتواند بر آثار سوء ناشی از مهاجرت و تخلیه نقاط مرزی، و رواج معاملات غیرمرزی تأثیر بگذارد. شکوفایی این توانمندی‌ها و استعدادها بالقوه مناطق مرزی، و افزایش عمران و آبادانی این مناطق، از حداقل‌هایی است که می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات نقاط مرزی را حل کند. از این‌رو ایجاد این تعاونی‌ها را باید گام مهمی در نهادینه‌کردن این توسعه تلقی کرد.

استان کردستان به‌عنوان یک استان مرزی، ۲۲۷ کیلومتر مرز مشترک با کشور عراق (کردستان عراق) دارد که این امر به‌دلیل اشتراکات تاریخی، اجتماعی و فرهنگی می‌تواند ظرفیت‌های توسعه‌ای بسیاری را برای این استان رقم بزند. تعاونی‌های مرزنشین از جمله این ظرفیت‌ها هستند که می‌توانند نقش پررنگی در جبران مسائل و مشکلات به‌ویژه اقتصادی ایفا کنند. تعاونی‌های مرزنشین در استان کردستان، در شهرستان‌های مریوان، بانه، سقز و سروآباد وجود دارند. بیشترین تعاونی‌ها، در زمان توسعه اقتصاد مرزی نقش پررنگی دارند، اما وضعیت موجود آن‌ها نشان می‌دهد به‌صورت فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال به کار خود ادامه می‌دهند. آمارها نشان می‌دهد تعداد این تعاونی‌ها به حدود ۲۰ تعاونی می‌رسد که جمعیت زیادی از خانوار روستایی را دربردارند. با وجود این، آمارها و مشاهدات، از ضعف کارکردی آن‌ها حکایت دارد. براساس داده‌ها و آمار اداره صنعت، معدن و تجارت استان کردستان^۱، بسیاری از این تعاونی‌ها نیمه‌فعال هستند و تعاونی‌های فعال نیز با وجود سهمیه ارزی تخصیصی - فقط در شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۰، معادل ۵،۹۳۷،۱۸۰ میلیون ریال - به اهداف تعیین‌شده دست نیافته‌اند. مسئله‌ای که

۱. سایت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کردستان، بخش آمار و اطلاعات

(<https://www.mimt.gov.ir/fa/general-content/478327>)

می‌توان آن را به نقش کم‌رنگ آن‌ها در اقتصاد غیررسمی مرزی، جایگاه آن‌ها در اجتماعات محلی و کاهش فعالیت‌ها نسبت داد؛ بنابراین سؤال اصلی پژوهش حاضر چنین است که زمینه‌های شکست تعاونی‌های مرزنشینان کدام‌اند و چه راهکارهایی می‌توان برای ارتقای جایگاه و نقش آن‌ها در مناطق مرزی استان کردستان ارائه کرد.

پیشینه تجربی

بررسی اقتصاد غیررسمی در مرز، بیشتر با مقولاتی از جمله قاچاق کالا، امنیت مرزی، بازارچه‌های مرزی، پیلوری، گمرک و... قابل بحث و نظر است. به طبع، بیشتر پژوهش‌ها نیز تابع این مقولات هستند و به توصیف و تحلیل آن‌ها در مرز پرداخته‌اند. همچنین در مورد اقتصاد غیررسمی در مناطق روستایی، پژوهش‌ها متمرکز بر اقتصاد محلی و نقش آن در معیشت روستاییان، راه‌های توسعه یا کنترل آن در این مناطق شده‌اند.

نانکلی کل‌آبادی و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «تحلیلی بر اقتصاد غیررسمی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: استان کردستان)»، با روش کمی و با ابزار پرسشنامه محقق‌ساخته در دهستان‌های مرزی چهار شهرستان سقز، بانه، مریوان و سروآباد پرداختند. نتایج کار آن‌ها بیانگر توافق و رضایت بین ساکنان مناطق مرزی و اقتصاد غیررسمی است.

دانش مهر و همکاران (۱۴۰۰)، در مقاله «اتنوگرافی نهادی سیاست خودگردانی در تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)»، به نقد سیاست خودگردانی تعاونی‌های تولید پرداختند و به این نتیجه رسیدند که تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان علاوه بر مسائل و آسیب‌های اجتماعی، فرهنگی و مدیریتی و... پس از اجرای سیاست خودگردانی، درگیر مسائل و مشکلات دیگری شده‌اند که ناشی از شوک خودگردانی، خودگردانی بدون برنامه و لغو حمایت‌های دولتی بوده است. آن‌ها برای جبران شکست این سیاست، اخذ سیاست‌های ترمیمی تعاونی‌ها را پیشنهاد کردند.

دانش مهر و هدایت (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل روایت ذی‌نفعان، از فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)» به این نتیجه رسیدند که به دلیل عدم حمایت‌های دولت، دخالت‌های سازمان تعاون روستایی در فرایند و انتخاب ارکان تعاونی به‌ویژه مدیرعامل، قوانین و چارچوب‌های انعطاف‌ناپذیر،

کلیشه‌ای شدن واژه تعاونی، تجربه‌های ناموفق مشابه، به هم ریختن نظم اجتماعی روستایی، ظهور مدیریت‌های جدید در اداره امور عمومی روستا، نهادهای موازی و مدعی امور تعاونی، و عدم شفافیت در مسائل مالی و مدیریتی، سرمایه اجتماعی، در بین ذی‌نفعان و ارکان تعاونی دچار افول و فروپاشی شده است.

حیدری و همکاران (۱۳۹۴) در مقاله «موانع و راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه» که با روش کمی انجام شد، به این نتیجه رسیدند که موانع دولتی-حمایتی، مدیریتی، آموزشی، اجتماعی-اقتصادی و مهارتی-تخصصی، در فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین مورد مطالعه نقش دارند. آن‌ها سپس به پیشنهادها و راهکارهایی از جمله فراهم کردن زیرساخت‌های مناسب، افزایش سهمیه ارزی مرزنشینان و آزادی عمل بیشتر در واردات و صادرات برای این امر پرداختند.

نونکهو و همکاران (۲۰۱۲) در مقاله «نقش تعاونی‌ها در توسعه شرکت‌های کوچک و متوسط (SMEs) در نیجریه: چالش‌ها و راه رو به جلو»، استدلال کردند که SMEها کلید شکوفایی نیجریه هستند، اما تلاش‌های گذشته دولت برای ارتقای SMEها، برای دستیابی به اهداف مورد نظر مثمر نبوده است. تعاونی‌ها همواره از طریق توسعه کارآفرینی، تأمین مالی، تأمین کارآفرینی، ترویج استقرار صنایع کوچک، ترویج کشاورزی خرده‌داران و... موجب توسعه کسب‌وکارهای کوچک شده‌اند، اما کمبود بودجه کافی، بی‌سوادی در بین اعضای آن و کمبود فرصت‌های آموزشی، مشارکت حداکثری تعاونی‌ها را در فعالیتهای ترویج کسب‌وکار با چالش مواجه کرده است.

لی بانوپه و همکاران (۲۰۰۴) به «بررسی اثرات اقتصادی و اجتماعی تجارت مرزی و تأثیر آن در افزایش استانداردهای سطح زندگی مردم در سه ایالت لائوس» پرداختند. نتایج بیانگر آن است که تجارت مرزی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم بر ساکنان محلی تأثیر دارد که می‌توان به اشتغال و مبادله کالا از نظر اقتصادی اشاره کرد. علی‌رغم افزایش استانداردهای کیفیت زندگی در مناطق مرزی، تأثیرات منفی اجتماعی از جمله ثبات و نداشتن امنیت اجتماعی، فروپاشی روابط و بازاری شدن، از دیگر پیامدها هستند.

پژوهش‌های انجام‌شده، به نقش تعاونی‌ها در اقتصاد محلی و غیررسمی پرداختند و نتایج آن‌ها نشان‌دهنده نقش آن‌ها و موانع پیش‌رو در این اقتصاد است. پژوهش حاضر با توجه به این

نتایج، به بررسی زمینه‌های شکست کارکردهای تعاونی‌های مرزنشین پرداخته است؛ امری که پژوهش‌های پیشین به صورت توصیفی و تحلیلی درصدد آن برآمده‌اند. نتایج این پژوهش، می‌تواند علاوه بر تحلیل زمینه‌های شکست کارکردهای تعاونی از بعد درونی (عوامل درونی دخیل در تعاونی‌ها) و خارجی (عوامل نهادی مؤثر)، به ارائه راهکارهایی برای پایداری و ماندگاری بیشتر، و ارتقای نقش و کارکردهای آن‌ها در اقتصاد غیررسمی مرزی و در مناطق روستایی بینجامد. این امر جز با انجام مصاحبه‌ها با ذی‌نفعان اصلی تعاونی‌ها و تحلیل وضعیت موجود آن‌ها قابل‌ارائه نیست.

چارچوب مفهومی

یکی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصادی هر کشور، اقتصاد غیررسمی^۱ است که در درون آن، بخش‌هایی وجود دارند که می‌توانند نقشی پویا، فعال یا گاهی منفی و مخرب را در اقتصاد کلی کشور ایفا کنند. اقتصاد غیررسمی، یک مفهوم گسترده است که برای توصیف فرم‌های ناامن از فعالیت‌های اقتصادی در کشورهای در حال توسعه جهان استفاده می‌شود. باین‌حال، رشد و میزان اشتغال غیررسمی در بسیاری از کشورها، راه عملی برای فرار از بیکاری به‌شمار می‌رود (هلنی و اربسلبانی، ۲۰۰۹: ۹۹۲). شناسایی اقتصادی غیررسمی و اندازه‌گیری آن خیلی دشوار است؛ به‌علت اینکه مشاغل غیررسمی، پدیده‌ای رنگارنگ، شناور و به‌طور مستمر در حال تغییر است. حدود اوایل دهه ۱۹۷۰ م بود که نخستین بار سازمان جهانی کار از اصطلاح بخش غیررسمی برای توصیف فعالیت‌های نیروی کار فقیری استفاده کرد که بسیار سخت کار می‌کردند، اما از سوی مقامات دولتی، شناسایی، ثبت، حمایت یا اداره نشده بودند (صادقی و همکاران، ۱۳۸۹: ۷۶).

اقتصاد غیررسمی شامل واحدهایی است که کالا و خدمات را به فرض ایجاد شغل و درآمد به صورت شخصی ایجاد می‌کند. واحدها هم به وسیله سطوح پایین‌تر، سازمان‌دهی و با تفاوت ناچیز میان کار و سرمایه در مقیاس کوچک مشخص می‌شوند (رومرو^۲، ۲۰۰۹). اقتصاد غیررسمی، بسته به شرایط هر کشور می‌تواند عمل کند. به این صورت که ضعف بخش‌های غیردولتی و تا حدودی بخش‌های خصوصی، دستمایه پویایی آن در عرصه اقتصادی می‌شود و

1. Informal economy

2. Romero

ممکن است بخش‌های زیادی از نیروی کار آن کشور را دربرگیرد. با این حال، در کشورهای در حال توسعه، نیروی کار بخش غیررسمی، زیاد و نامتجانس است که شامل دو بخش خوداشتغالان در بخش غیررسمی از جمله تشکیلات اقتصادی کوچک و کنترل نشده، و کارگران مزدبگیر در مشاغل کنترل شده و حمایت شده می‌شود.

غالباً چنین تصور می‌شود که فعالیت‌های واحدهای تولیدی و خدماتی بخش غیررسمی، لزوماً به قصد فرار عمدی از پرداخت مالیات یا حق بیمه تأمین اجتماعی یا نقض کار یا سایر قوانین و مقررات اداری انجام نمی‌شود. بر این اساس، مفهوم فعالیت‌های بخش غیررسمی باید از مفهوم فعالیت‌های اقتصاد پنهان^۱ یا زیرزمینی^۲ متمایز شود (چارمز، ۲۰۱۳)؛ هرچند کار در اقتصاد غیررسمی، اغلب با مکان‌های کاری کوچک یا نامشخص، شرایط کاری ناامن و ناسالم، سطح پایین مهارت‌ها و بهره‌وری و درآمد کم یا نامنظم، ساعات کاری طولانی و دسترسی نداشتن به اطلاعات، بازارها، امور مالی، آموزش و فناوری مشخص می‌شود. کارگران در اقتصاد غیررسمی، تحت قوانین کار و حمایت اجتماعی، به رسمیت شناخته، ثبت، تنظیم یا حمایت نمی‌شوند.

علل ریشه‌ای اقتصاد غیررسمی شامل عناصر مرتبط با زمینه اقتصادی، چارچوب‌های قانونی، نظارتی و سیاستی، و برخی عوامل تعیین‌کننده در سطوح خرد هستند؛ مانند سطح پایین آموزش، تبعیض، فقر و همچنین دسترسی نداشتن به منابع اقتصادی، دارایی، خدمات مالی و سایر خدمات تجاری و بازارها. با این اوصاف می‌توان گفت گسترش زیاد اقتصاد غیررسمی، چالشی بزرگ برای حقوق کارگران و شرایط کار مناسب است و بر بنگاه‌ها، درآمدهای عمومی، حوزه عمل دولت، سلامت نهادها و رقابت منصفانه تأثیر منفی دارد (ایلو، ۲۰۱۵). در واقع اقتصاد غیررسمی از طریق مواردی نظیر فرار مالیاتی، اختلال در رقابت‌پذیری اقتصاد و خنثی کردن اثرگذاری سیاست‌های دولت، می‌تواند بر اقتصاد تأثیرگذار باشد که در نهایت سبب کاهش رفاه کل جامعه می‌شود (محمدپور، ۱۳۹۶).

اقتصاد غیررسمی موجود در مناطق حاشیه‌ای کشور و پیامدهای فضایی آن، از جمله مسائل اساسی کشور است که به ندرت در برنامه‌ریزی‌های اخیر ملی و منطقه‌ای به آن توجه شده است.

1. Hidden economy
2. Underground economy

گاهی در تحلیل این مسئله، ریشه مشکلات رها می‌شود و به رفتار اقتصادی گریزناپذیر مرزنشینان توجه می‌شود. نابرابری در بهره‌مندی از فرصت‌های اشتغال و درآمد، مهم‌ترین عاملی است که بیشتر استان‌های مرزی گرفتار آن هستند که پیامدهایی مانند فقر، ناامنی، نبود شاخص‌های حداقل کیفیت زندگی، مهاجرت و قاچاق را در پی دارد. چنین امری ساکنان این مناطق را واداشته تا شیوه‌های کسب‌وکار، و بهره‌گیری از موقعیت مرزی خود را متنوع سازند. این فعالیت‌ها چه به صورت رسمی و چه غیررسمی، تأثیرات عمیقی بر ساختار اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، کالبدی و فضایی مناطق مرزی برجای می‌گذارد. مرزها محصول تاریخ، سیاست و قدرت‌اند و مرزنشینی اقتصاد و فرهنگ خاص خود را دارد (خیرالدین و رازپور، ۱۳۹۸).

بر این اساس، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مناطق مرزی کردنشین قسمی بودن اقتصاد غیررسمی است (باینگانی و جلالی‌پور، ۱۳۹۹). این نوع اقتصاد، با قاچاق کالا، خریدوفروش وسایل و کالاها، دستفروشی، کولبری و درآمد حاصل از گردشگری و همچنین روی آوردن به واردات و صادرات از طریق تعاونی‌های مرزنشین، خود را در شهرهای مرزی نشان داده است. با توجه به اینکه تعاونی‌های مرزنشین، یک بخش اقتصاد غیررسمی قلمداد می‌شوند، نقش و جایگاه آن‌ها در اقتصاد به طور اعم و اقتصاد مرزی، به طور خاص در هاله‌ای از ابهام است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق حاضر با توجه به ماهیت و اهداف تحقیق، روش‌شناسی کیفی است. از میان روش‌های کیفی، روش نظریه زمینه‌ای (GTM) به دلیل اینکه به طور مستقیم به سراغ داده‌ها می‌رود و تحلیل خود را از داده‌ها شروع می‌کند، در این پژوهش به عنوان روش انجام کار اتخاذ شده است.

در این پژوهش به دلیل سامان‌دهی مطالب، و نظم‌بخشیدن به یافته‌ها و رسیدن به اهداف تحقیق از «جی‌تی‌ام سیستماتیک»^۱ استفاده شده است. در این روش که در پی مقوله اصلی متغیر کانونی^۲ است، انواع طبقاتی را مشخص می‌کنیم تا بتوان این مقوله کانونی را توضیح نظری و تجربی داد؛ بنابراین تحلیل مؤلفه‌های زیر را در یک مدل پارادامیک^۳ قرار خواهیم داد: ۱. شرایط

1. SY- GTM

۲. Focal Variable: پدیده‌ای مرکزی که در موقعیت و زمینه اکتشاف صورت می‌گیرد.

3. Paradigm model

زمینه^۱ (عوامل وضعیتی عام و خاص که بر مسئله اصلی تأثیر می‌گذارند)، ۲. شرایط علی^۲ (علل اصلی که پدیده مورد اکتشاف از آن‌ها ناشی می‌شود)، ۳. شرایط مداخله‌گر^۳ (تأثیر عوامل علی و زمینه‌ای خاص و اینکه با چه عوامل عمومی محیطی تعدیل می‌شوند)، ۴. پیامدها^۴ (اینکه مجموع علل و راهبردهای اتخاذ شده به چه آثار و نتایجی منتهی می‌شود) و در نهایت ۵. راهبردها^۵ (اقدامات اتخاذ شده در پاسخ به پدیده محوری).

داده‌ها از مصاحبه با مطلعان کلیدی یا همان دروازه‌بانان اجتماع، به صورت مصاحبه گروهی و فردی در یک بازه زمانی شش ماهه - نیمه دوم ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ - انجام شد. مصاحبه‌ها تا سرحد اشباع نظری (۴۱ نفر شامل ۶ نفر مدیرعامل، ۱۵ نفر هیئت‌مدیره و ۲۰ نفر عضو فعال تعاونی‌ها) پیش رفت و مشخص شد این داده‌ها، کفایت لازم را برای پروراندن مفاهیم و مقولات مورد نیاز یک نظریه، به منظور توضیح علمی رضایت‌بخش موقعیت دارا هستند، و ابعاد و اکناف موقعیت را می‌توانیم توصیف‌گر و غنی کنیم، و شرحی قوی بدهیم (دراکر^۶ و همکاران، ۲۰۰۷). به نقل از فراستخواه، (۱۳۹۸). برای این منظور و با توجه به تعداد بالای اعضای تعاونی‌ها، نمونه‌گیری انجام شد. روش‌های نمونه‌گیری در این پژوهش عبارت‌اند از: ۱. نمونه‌گیری هدفمند؛ ۲. نمونه‌گیری نظری؛ ۳. نمونه‌گیری با حداکثر تنوع.

مفهوم‌پردازی از داده‌ها، اولین قدم تجزیه و تحلیل به‌شمار می‌رود. فرایند اصلی در تکنیک نظریه زمینه‌ای به‌عنوان روش تحلیل اطلاعات، فرایند کدگذاری، طبقه‌بندی داده‌های خام، استخراج مفاهیم و مقوله‌های اصلی و روابط بین آن‌ها، در چارچوب یک تئوری محقق‌ساخته است که با توجه به شرایط و موقعیت پژوهش، برای ارائه آن اقدام می‌کند. این شیوه را بارها می‌توان تغییر داد، از اول شروع و فرایندی دایره‌وار یا چرخشی را طی کرد. بر این اساس، برای تحلیل اطلاعات در این شیوه، از جمله نظریه زمینه‌ای، از سه شیوه کدگذاری شامل ۱. کدگذاری باز^۷، ۲. کدگذاری محوری^۸ و ۳. کدگذاری انتخابی^۱ استفاده می‌شود (کوهن و همکاران، ۲۰۰۷: ۴۳۹).

1. Context
2. Causal Conditions
3. Intervening Condition
4. Consequences
5. Strategies
6. Draucker
7. Open coding
8. Axial coding

با توجه به ماهیت، هدف و روش پژوهش، مصاحبه‌ها در قالب مصاحبه‌های نیمه‌ساخت‌یافته و با پرسش از وضعیت کنونی تعاونی‌ها آغاز شد. بر این اساس، این مصاحبه‌ها دستمایه استخراج مفاهیم در قالب کدگذاری باز قرار گرفتند و سپس در قالب مقولات اولیه جای داده شدند. کدگذاری محوری براساس موضوع صورت گرفت و محتوای داده‌ها دسته‌بندی شدند. حاصل تأمل نظری و برآیند مقولات استخراج‌شده، مقولات ثانویه هستند که مبنای تحلیل پژوهش قرار می‌گیرند. برای اعتباربخشی به یافته‌ها، ارجاعاتی به متن مصاحبه‌ها داده می‌شود. میدان مورد مطالعه، تعاونی‌های مرزنشین استان کردستان است که به‌صورت فعال، نیمه‌فعال و غیرفعال در روستاهای مناطق مرزی فعالیت می‌کنند.

جدول ۱. وضعیت شرکت‌های تعاونی مرزی استان کردستان در سال ۱۳۹۹-۱۴۰۰ و مشخصات

مصاحبه‌شوندگان

ردیف	شهرستان	نام شرکت تعاونی مرزنشینان	تعداد خانوار	تعداد اعضا (نفر)	وضعیت تعاونی	سهمیه ارزی تخصیصی شش‌ماهه اول سال ۱۴۰۰
۱	مریوان	۳۲۲۱ کوماسی	۲۱۰۲	۹۵۶۵	فعال	۱۱۰،۲۷۳
۳	مریوان	۳۲۰۳ سرکل	۵۵۰۵	۲۴،۹۲۰	نیمه‌فعال	۷۱۲،۴۶۲
۴	مریوان	۹۹۰ خاو و میرآباد	۲۴۹۰	۱۱،۵۷۷	فعال	۳۳۲،۴۸۲
۵	مریوان	۱۱۸۳ سرشیو	۲۰۴۵	۱۰،۰۹۸	فعال	۲۹۰،۹۲۲
۶	سروآباد	۱۰۴۲ سروآباد	۲۳۸۸	۸۷۰۳	فعال	۲۴۳،۴۲۴
۷	سروآباد	۱۲۹۲ اورامان	۱۳۵۱	۵۸۶۱	فعال	۱۶۶،۲۴۱
۸	سروآباد	۱۳۲۸ ژاورود	۱۵۶۸	۵۸۶۷	غیرفعال	۱۶۶،۲۴۱
۹	سروآباد	۳۲۳۲ دزلی	۱۷۳۹	۶۹۶۹	فعال	۱۹۵،۹۲۷
۱۰	سروآباد	۳۲۳۰ بیساران	۱۶۷۱	۵۹۷۳	نیمه‌فعال	۱۷۲،۱۷۸
۱۱	سروآباد	۳۲۳۱ اورامان	۱۱۹۸	۴۸۶۰	نیمه‌فعال	۱۳۶،۵۵۵
۱۲	سروآباد	۳۲۳۳ رزاب	۲۰۲۷	۷۵۱۳	-	۲۱۳،۷۳۹

ردیف	شهرستان	نام شرکت تعاونی مرزنشینان	تعداد خانوار	تعداد اعضا (نفر)	وضعیت تعاونی	سهمیة ارزی تخصیصی شش ماهه اول سال ۱۴۰۰
۱۳	سروآباد	پایگلان	۲۱۰۶	۷۵۶۴	-	۲۱۹,۶۷۶
۱۴	بانه	۹۴۷ نور	۳۱۲۶	۱۳۳۳	فعال	۳۶۸,۱۰۵
۱۵	بانه	۹۹۹ نمشیر	۵۱۲۰	۲۳,۹۱۰	نیمه فعال	۶۸۲,۷۷۶
۱۶	بانه	۱۰۱۶ مرکزی	۲۷۵۶	۱۰,۴۷۸	فعال	۲۹۶,۸۵۹
۱۷	بانه	۱۰۱۸ آلوت	۲۴۵۲	۱۲,۰۷۰	نیمه فعال	۳۴۴,۳۵۶
۱۸	سقز	۱۰۴۳ مرکزی	۳۰۶۵	۱۲,۵۰۰	نیمه فعال	۳۵۶,۲۳۱
۱۹	سقز	۱۲۷۴ سرتون	۲۹۰۷	۱۱,۵۹۲	غیر فعال	۳۳۲,۴۸۲
۲۰	سقز	۱۳۷۱ زیویه	۳۷۴۰	۱۵,۱۸۰	غیر فعال	۴۳۳,۴۱۴
جمع			۴۹,۳۵۶	۲۰۸,۱۹۹	-	۵,۹۳۷,۱۸۰

منبع: سایت گمرک استان کردستان (۱۳۹۹)؛ سایت صنعت و معدن و تجارت استان کردستان (۱۳۹۹)؛
مصاحبه شونده‌گان (۱۳۹۹-۱۴۰۰)

یافته‌های تحقیق

با توجه به اهداف و ماهیت کار تحقیق کیفی، سؤالاتی در قالب مصاحبه نیمه ساخت یافته از مصاحبه شونده‌گان زیر پرسیده شد. مصاحبه با این افراد، با نمونه‌گیری نظری و هدفمند انجام شده است؛ به این صورت که محققان دنبال کسانی بودند که ذی‌نفع تعاونی‌ها و درگیر مشکلات، مسائل و وضعیت آن‌ها بوده‌اند. برای اینکه حداقل نظرات در مباحث گنجانده شود و از همه اعضای تعاونی‌ها مصاحبه به عمل آید، از نمونه‌گیری حداکثر تنوع استفاده شد تا پراکندگی تعاونی‌ها و نظرات هم در نظر گرفته شود.

جدول ۲. مشخصات مصاحبه شونده‌گان

کد مصاحبه شونده	جنس	سن	مدرک تحصیلی	سمت و سابقه مدیریت	تعاونی
۱	مرد	۳۸	کارشناسی	مدیرعامل / ۳ سال	مریوان
۲	مرد	۴۵	دیپلم	عضو هیئت مدیره / ۲ سال	مریوان
۳	مرد	۵۵	دیپلم	عضو تعاونی / ۴ سال	مریوان

کد مصاحبه‌شونده	جنس	سن	مدرک تحصیلی	سمت و سابقه مدیریت	تعاونی
۴	مرد	۵۲	دیپلم	عضو تعاونی / ۶ سال	مریوان
۵	زن	۶۷	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	مریوان
۶	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	مریوان
۷	مرد	۶۶	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۶ سال	مریوان
۸	زن	۵۹	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	مریوان
۹	مرد	۳۸	کارشناسی	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	مریوان
۱۰	مرد	۴۹	دیپلم	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	مریوان
۱۱	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	سروآباد
۱۲	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	سروآباد
۱۳	مرد	۵۶	سیکل	عضو هیئت‌مدیره / ۴ سال	سروآباد
۱۴	مرد	۵۰	دیپلم	مدیرعامل تعاونی / ۴ سال	سروآباد
۱۵	مرد	۵۱	خواندن و نوشتن	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	سروآباد
۱۶	مرد	۵۲	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	سروآباد
۱۷	مرد	۵۲	کارشناسی	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	سروآباد
۱۸	مرد	۵۰	کارشناسی	مدیرعامل تعاونی / ۲ سال	سروآباد
۱۹	مرد	۴۷	کارشناسی	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	سقز
۲۰	مرد	۵۲	کارشناسی	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	سقز
۲۱	مرد	۴۶	فوق‌دیپلم	مدیرعامل تعاونی / ۲ سال	سقز
۲۲	مرد	۳۵	دیپلم	عضو هیئت‌مدیره / ۲ سال	سقز
۲۳	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	بانه
۲۴	مرد	۴۵	کارشناسی	مدیرعامل تعاونی / ۲ سال	بانه
۲۵	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	بانه
۲۶	زن	۶۰	خواندن و نوشتن	عضو هیئت‌مدیره / ۴ سال	بانه
۲۷	زن	۶۵	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	بانه
۲۸	مرد	۵۱	دیپلم	عضو هیئت‌مدیره / ۴ سال	بانه
-	-	-	-	-	-
۳۶	مرد	۵۵	خواندن و نوشتن	عضو هیئت‌مدیره / ۳ سال	بانه

کد مصاحبه‌شونده	جنس	سن	مدرک تحصیلی	سمت و سابقه مدیریت	تعاونی
۳۷	مرد	۵۲	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۴ سال	بانه
۳۸	مرد	۴۹	خواندن و نوشتن	عضو تعاونی / ۶ سال	مریوان
۳۹	مرد	۴۵	دیپلم	عضو هیئت‌مدیره / ۶ سال	مریوان
۴۰	مرد	۵۱	سیکل	عضو تعاونی / ۶ سال	مریوان
۴۱	مرد	۵۰	دیپلم	عضو هیئت‌مدیره / ۴ سال	سروآباد

جدول ۳. تحلیل تماتیک موانع توسعه تعاونی‌های مرزنشین استان کردستان

مقولات ثانویه (کدگذاری انتخابی)	مقولات اولیه (کدگذاری محوری)	مفاهیم (کدگذاری باز)
شرایط توسعه‌یابی مرزی	نبود زیرساخت‌های ارتباطی	کمبود زیرساخت‌های اقتصادی، تخریب راه‌های ارتباطی، ناتوانی افراد محلی در شریک‌شدن در مبادلات کالایی در مرز، به رسمیت‌ندانستن مرز سیران‌بند و بازارچه‌های موقت، ضعف مدیریت تعاونی‌ها، بی‌اطلاعی از وضعیت تعاونی‌ها، بی‌اطلاعی از انتخابات هیئت‌مدیره، وجود بازار سیاه، نداشتن تمایل سرمایه‌داران برای واردات اقلام اعلام‌شده به دلیل سود کم، منطقه ویژه اقتصادی بدون استفاده، داشتن نگاه امنیتی و نظامی به مناطق، تخلیه روستاها به دلیل نبود خدمات و زیرساخت‌ها. هزینه‌های گران ناشی از صادرات کالاهای اولیه و خوراکی، نقش ضعیف تعاونی در بازار، نقش ضعیف تعاونی در بازارچه‌های مرزی، حمایت‌نکردن مسئولان بازارچه‌ها برای صادرات محصولات کشاورزی به کردستان عراق، نبود صنایع تبدیلی و فروشگاه‌های مربوطه در روستاها، هزینه‌های بالا در مناطق، گرایش کشاورزان به پیمه‌وری و کولبری، ازدست‌دادن هویت و بی‌اعتباری کولبران در بین اجتماع، ممانعت از مشارکت نخبگان محلی، دخالت ندادن شورا و دهیار در امور بازارچه و مرز، بیکاری جوانان،
	نبود امکانات و منابع مالی	
	نبود برنامه‌های توسعه‌ای پایدار	
سیطره سیاست‌های دولتی	سیاست‌ها متناقض دولتی و تداخل نهادی	عراق، نبود صنایع تبدیلی و فروشگاه‌های مربوطه در روستاها، هزینه‌های بالا در مناطق، گرایش کشاورزان به پیمه‌وری و کولبری، ازدست‌دادن هویت و بی‌اعتباری کولبران در بین اجتماع، ممانعت از مشارکت نخبگان محلی، دخالت ندادن شورا و دهیار در امور بازارچه و مرز، بیکاری جوانان،
	کاهش مبادلات مرزی و کاهش آزادی عمل در واردات و صادرات	
	عدم حمایت بخش دولتی در تخصیص زمین و امکانات	
	ارائه و تخصیص ندادن ارز دولتی	
مشارکت‌نداشتن و ناآگاهی اعضا از تعاونی‌ها	کارایی نداشتن تعاونی‌ها	عراق، نبود صنایع تبدیلی و فروشگاه‌های مربوطه در روستاها، هزینه‌های بالا در مناطق، گرایش کشاورزان به پیمه‌وری و کولبری، ازدست‌دادن هویت و بی‌اعتباری کولبران در بین اجتماع، ممانعت از مشارکت نخبگان محلی، دخالت ندادن شورا و دهیار در امور بازارچه و مرز، بیکاری جوانان،
	مشارکت‌نداشتن عمومی	
	اجرای طرح‌های موقتی و شکست خوردن آن‌ها	

مقولات ثانویه (کدگذاری انتخابی)	مقولات اولیه (کدگذاری محوری)	مفاهیم (کدگذاری باز)
	ناآگاهی اعضا از وضعیت تعاونی	وجود کولبری، بیکاری، کار فصلی مرزنشینان، نبود واردات، نداشتن مجوز صادرات، مشخص نبودن متولیان تعاونی‌ها، نداشتن کار ثابت، تحقیرشدن به‌خاطر کولبری، زیادشدن تعداد کولبران، به‌کارنگرفتن نیروهای بومی، بی‌توجهی به راه‌های ارتباطی و خدمات رفاهی روستاها، حمایت‌نکردن بازارچه‌های باشماق و سیرانبد برای فروش محصولات، کم‌اطلاعی از تعاونی، بی‌کاربردبودن تعاونی، مرز ورشکستگی تعاونی‌ها، حمایت‌نکردن دولت از تعاونی مرزنشینان، عدم تخصیص ارز دولتی به تعاونی مرزنشینان، کارایی‌نداشتن و اثربخشی تعاونی مرزنشینان، غیرقابل استفاده‌بودن کارت الکترونیکی، بی‌اعتباری کارت سوخت مرزنشینی، دریافت اجاره‌بهای کارت پیمه‌وری توسط روستاییان، شکست طرح‌های مرزنشینی، شکست اجرای طرح فروش سوخت مرزی تا شعاع ۱۵ کیلومتری، تقلیل کارکردهای تعاونی، نبود سرمایه‌گذاری اقتصادی و صنعتی، کاهش ماندگاری روستانشین در مناطق مرزی، کاهش جمعیت روستاییان، مهاجرت بی‌رویه از روستا به شهر، نبود توازن جمعیتی در مناطق مرزی، کهنسال‌بودن جمعیت ساکن در روستاها، ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی، بی‌توجهی به اشتغال مرزنشینان، شکست طرح کارت مرزنشینی. نبود ارز دولتی و تأمین‌نکردن مواد اولیه روستاییان در تعاونی‌ها
	تورم اقتصادی	
شکست اهداف تعاونی و بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی	بی‌توجهی به اشتغال مرزنشینان	
	کولبری و آسیب‌های آن	
	کاهش ماندگاری روستائینشینان در مناطق مرزی	
	اضمحلال اقتصاد محلی و مشکلات شدید مالی	
	کاهش اعتماد اجتماعی (نهادی و مردمی)	
انتخاب سیاست‌های ماندگاری تعاونی	ایجاد فروشگاه‌های مصرفی	
	واردات کالاهای تعیین‌شده با سود کم	
	تقلیل مشارکت عمومی به هیئت‌مدیره و مدیرعاملان	

منبع: مطالعات میدانی (۱۴۰۰)

شرایط زمینه‌ای: توسعه نیافتگی مرزی

شرط ضروری ارزیابی اجتماعات و مناطق مورد مطالعه، شناخت زیرساخت‌های توسعه‌ای و به‌تبع آن، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها و موانع توسعه‌ای آن است. مهم‌ترین زمینه توسعه، توجه به

زیرساخت‌هایی است که مقدمات توسعه را فراهم می‌آورند. زیرساخت‌ها در روستاها عمدتاً در بخش‌های راه‌های ارتباطی، دوری و نزدیکی به بخش‌ها و شهرها، آموزش و ارتباطات، و همچنین امکانات فرهنگی، ورزشی و بهداشتی نمایان می‌شود. مصاحبه‌ها، داده‌های آماری و توزیع امکانات در قالب توزیع فضایی نشان می‌دهد وضعیت زیرساخت‌های توسعه‌ای در مناطق مرزی نامطلوب است و همین امر سبب شده است تا ایجاد و توسعه تعاونی مرزنشینان با چالش‌های اساسی مواجه شود. یکی از مدیران عامل تعاونی‌ها در این زمینه گفت:

«ما به دلیل نبود راه ارتباطی و حمل‌ونقل مناسب مجبور شدیم تعاونی رو به شهر منتقل کنیم. این کار ما باعث شده روستاییان مرزنشین از تعاونی دور باشن و مشارکتشون کمتر بشه... اما اگه این کار رو نمی‌کردیم، تعاونی دسترسی‌ش به کالاها و فروش و اینا به حداقل می‌رسید»
(مدیرعامل تعاونی ۹۹۰ خاوه و میرآباد).

تبعات ضعف و نبود زیرساخت‌ها، موانع زیادی را در راه توسعه در دیگر ابعاد آن گذاشته است؛ به نحوی که تعدادی از فعالیت‌ها دارای مزیت نشدند که دلیل آن می‌تواند نبود زیرساخت‌های توسعه مناسب در استان کردستان - و به‌ویژه در مناطق مرزی آن - باشد (خانزادی و صادقی‌نسب، ۱۳۹۶). این امر همچنین یکی از مهم‌ترین دلایل ایجاد پدیده نابرابری در استان کردستان است (شایگان‌فرد و همکاران، ۱۴۰۰). باری، موضوع کمبود زیرساخت‌ها، بارها مورد توجه اعضای هیئت‌مدیره تعاونی‌ها و مدیرعاملان قرار گرفت. یکی از اعضای هیئت‌مدیره بر تبعیض اقتصادی تأکید کرد و آن را مهم‌ترین مانع اساسی در پویایی مناطق مرزی دانست:

«به نظر من اون چیزی که مهمه اینه که توسعه اقتصادی این مناطق به مرز بستگی داره. اگه مرز و مبادلات مرزی کاهش پیدا کنه، اقتصاد هم ضعیف می‌شه و عملاً هیچ کاری نمی‌شه انجام داد. متأسفانه چون به اشتغال‌زایی و تولید در مناطق مرزی توجه کمتری شده، شاید تنها راه توسعه این مناطق توسعه مبادلات بازرگانی و تجاری باشه، اما متأسفانه این کار هم به دلیل نبود زیرساخت‌های سرمایه‌گذاری امکان‌ش کمتر شده» (عضو هیئت‌مدیره ۱۰۱۶ مرکزی، بانه).

وضعیت روستاهای مورد مطالعه از نظر زیرساخت‌ها به‌ویژه راه‌های حمل‌ونقل، آموزش، و زیرساخت‌های فرهنگی و ورزشی مناسب نیست و این امر ناشی از عملکرد ضعیف نهادهای

ذی‌مدخل در توسعه روستایی است. توجه به زیرساخت‌ها، اصلی‌ترین و مهم‌ترین اقدامی است که می‌تواند به عمران و آبادانی روستاها کمک کند.

شرایط علی: سیطره سیاست‌های متناقض دولتی

یافته‌های این بخش حکایت از سیاست‌های متناقض دولتی و تداخل نهادی، کاهش مبادلات مرزی و کاهش آزادی عمل در واردات و صادرات، حمایت‌نکردن بخش دولتی از تخصیص زمین و امکانات، و عدم ارائه و تخصیص ارز دولتی دارد. مصاحبه‌شوندگان از وضعیتی سخن راندند که در آن نشان از نداشتن برنامه جامع، متولی چندگانه و همچنین سیاست‌های نامناسب درمورد مسائل مناطق مرزی بود. سیاست‌هایی که از سوی نهادهای متولی توسعه مناطق مرزی از جمله توسعه روستایی، فرمانداری‌ها، گمرک، بنیاد برکت، جهاد کشاورزی، اداره تعاون کار و رفاه اجتماعی و اداره صنعت، معدن و تجارت اتخاذ شده است، از یک‌سو در قالب کارت مرزنشینی، کارت سوخت، کارت پبله‌وری، سامان‌دهی معابر کولبری، تعاونی‌های مرزی، کمک‌های معیشتی و... سبب وابستگی مرزنشینان به این نهادها (هدایت و باسیتی، ۱۴۰۰)، و از سوی دیگر، سبب تداخل در عین تعارض شده است. درمورد تعاونی‌های مرزی، این امر به‌شدت از سوی اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعاملان مورد انتقاد واقع شد. آن‌ها به ابهامات، کارشکنی‌ها، تداخلات و تعیین‌نکردن متولی اصلی اشاره کردند و سیاست‌های دولت‌های مختلف را به ایدئولوژی‌های گروه‌ها و جریان‌های سیاسی ربط دادند. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این مورد گفت:

«ما الان نمی‌دونیم برای پیگیری کارامون با کدوم نهاد باید ارتباط بگیریم. هر بار به ما می‌گن که این قضیه به این نهاد ربط داره، بعد از مدتی می‌گن به اون نهاد... هیچ نهادی به‌طور رسمی و شفاف، متولی بخش تعاونی‌های مرزنشین نیست» (عضو هیئت‌مدیره تعاونی ۳۲۳۲ دزلی سروآباد).

مصاحبه‌شوندگان بر نبود برنامه منسجم در به‌کارگیری توانایی‌های تعاونی‌ها برای واردات کالاها از مرز اشاره کردند و بر این امر اذعان دارند که در چند سال نخست تأسیس این تعاونی‌ها، به‌دلیل اینکه در واردات کالاها، مصرفی، مناطق مرزی نقش پررنگی ایفا کردند، وضعیت دسترسی و کسب درآمد از این راه بسیار مطلوب بود.

تأثیرات اقتصاد غیررسمی در مناطق مرزی به حدی جدی است که نوسانات اقتصادی در داخل و خارج از کشور، تأثیرات خود را بر این مناطق خیلی سریع تر گذاشته است. وجود بازارهای دلالی، تأکید صرف بر تجارت مرزی و صادرات، وجود بازار گسترده مصرفی کردستان عراق و... سبب شده این منطقه به منطقه‌ای مبادله‌ای تبدیل شود. در این راستا، وجود تعاونی مرز نشینان هم قابل توجه است. از سویی، هدف از تشکیل تعاونی‌ها بهبود معیشت ساکنان مناطق مرزی بوده است، اما این امر محقق نشده است. دلایل این امر از دیدگاه معتمدان، رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل این تعاونی‌ها چنین بود:

«هیچ کاربردی نداره. تا جایی که ما خبر داریم، به فروشگاه توی چهارراه بایوه زدن از سهم تعاونی. من تابه حال هیچ سود، کالا یا چیزی رو ندیدم ازشون. هیچ امتیاز و سهمی برای مرز نشینان قائل نمی‌شن. اگه بخوای بری، اون فروشگاه هم، مثل قیمت بازاره با تخفیف هزار تومن کمتر. بعضی از اقلام رو که می‌خوایم، می‌گن تموم شده. می‌گن می‌آریم، اما به ما نمی‌رسه. همون اول کار می‌فروشن به آشناهای خودشون. دلالی هستش» (معتمد روستای بایوه و عضو هیئت مدیره تعاونی ۹۹۰ خاو و میرآباد مریوان).

روایت مدیران عامل به شیوه‌ای دیگر بود. آن‌ها نبود ارز دولتی و ناتوانی تعاونی‌ها برای صادرات و واردات، و معاف نبودن از مالیات و... را دلیل غیرکاربردی بودن تعاونی‌ها ذکر کردند. این امر نشان می‌دهد حمایت نکردن بخش دولتی از تعاونی‌ها، به تشدید وضعیت ناتوانی در ایفای نقش‌ها و کارکردهای تعاونی‌های مرز نشینان در امور معیشتی مرز نشینان، به چه نسبتی جدی و مهم است. گفته‌های مدیرعامل تعاونی مرز نشینان خاو و میرآباد مریوان گویای این واقعیت بود:

«ما الان علناً نه کار واردات می‌کنیم نه صادرات. اگه صادرات کنیم، مجبوریم اون ارز رو دوباره وارد کنیم، اما اگه نتونیم، باید ۷۰ درصدش رو برگردونیم به وزارت صنعت و معدن و تجارت. خب با این وضعیت اقتصادی ما باید صادر کنیم و با ریال معامله‌هامون رو انجام بدیم، اما طرف عراقی با دلار به ما کالا می‌فروشه. کالاها هم کالاهایی هستن که نیاز ضروری و پرسودی هم نیستند؛ مثل یخچال و کولر و... ارز دولتی هم که به ما نمی‌دن و این مشکل بزرگیه. از طرفی، تعاونی ما مالیات باید پرداخت کنه، متأسفانه مثل تعاونی‌های دیگه نیست؛ مثل فرهنگیان و تولید روستایی و تعاونی مصرف. اونا مالیات نمی‌دن و این تبعیض بزرگیه (مدیرعامل تعاونی مرز نشینان خاو و میرآباد، مریوان).

شرایط مداخله‌گر: مشارکت‌نداشتن و ناآگاهی اعضا از تعاونی‌ها

مشارکت در سطح تعاونی‌ها با چالش‌های اساسی روبه‌رو است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، نداشتن مشارکت فعال مردم و ناآگاهی از تعاونی به‌عنوان بخش اقتصادی و اجتماعی مهم است. در مصاحبه‌هایی که با مطلعان انجام شد، چنین استنباط شد که نگاه مغرضانه‌ای به مشارکت و دخالت‌دادن مردم بومی در طراحی و اجرای طرح‌های توسعه روستاها وجود دارد. معتمد بخش خاو و میرآباد در این مورد چنین گفت:

«ما اصلاً در طرح‌ها کمترین دخالت رو داریم. آخر کار ما می‌فهمیم چی به چی. احساس می‌کنن که مردم روستاها مزاحم کاراونا می‌شن و نمی‌ذارن کار کنن، اما باور کنید هر طرحی که اجرا شد، اگه دخالت و مشارکت مردم نبود، به شکست منجر می‌شد. در بحث‌های اقتصادی اگه مردم بفهمن که واقعاً براشون سود داره، همکاری می‌کنن، اما معمولاً توجه نمی‌شن و مشکلاتی به بار می‌آد» (عضو تعاونی خاو و میرآباد مریوان).

نتایج بیانگر آن است که پاسخ دولت‌ها به مشارکت مردمی، مشارکت حالت مقطعی و نمایشی دارد؛ به‌گونه‌ای که برخوردها حالتی دوگانه‌گرا پیدا می‌کند. نبود اقدامات مؤثر در بخش‌های اقتصادی، جامعه مورد نظر را به دولت بی‌اعتماد کرده است. آن‌ها حتی به اقدامات مثبت و مؤثر دولت از جمله دادن تسهیلات و وام‌ها، نگاهی بدبینانه و بعضاً محتاطانه‌ای دارند. مهم‌ترین اقدام که نهادهای دولتی باید در پی آن باشند، اشتغال‌زایی و بهبود زیرساخت‌های توسعه‌ای است. این امر با توجه به معضلات بیکاری زیاد، فقر چندبعدی، و تشدید و تداوم کولبری، دوچندان مهم و محرز است. همچنین با توجه به ظرفیت‌ها و سابقه مشارکت مردمی در طرح‌های به‌اجرا درآمده در روستاها، می‌توان گفت نهادهای متولی در روستاها، با در نظر داشتن هر یک از این پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها می‌توانند اقدامات حمایتی را در قالب ظرفیت‌سازی انجام دهند. نظر مصاحبه‌شوندگان درباره ارتباط تعاونی با نهادهای دولتی و برعکس به‌عنوان یک مسئله اساسی مطرح شد. تعاونی‌ها به موانع و مشارکت‌نداشتن نهادها در برنامه‌ها و اقدامات تعاونی‌ها اشاره کردند و این امر سبب ناتوانی و ضعف آن‌ها شده است.

«خود نهادها مانع ما می‌شن. ما به فرمانداری چند بار درخواست پمپ‌بنزین گمرک مریوان رو دادیم، اما به سازمان همیاری دادنش... ما توی اولویت بودیم، اما به اونا دادن... درخواست ایجاد معاینه فنی کردیم که توی مرز باشماق برای ترانزیت‌ها و کامیون‌ها بذاریم، اما اصلاً

جدی نگرفتن این درخواست رو. درخواست باسکول گمرک باشماق رو داشتیم، اما طفره رفتن. خب دیگه تعاونی از کجا بیاره سودآوری کنه؟ ما متأسفانه حمایت دولتی نداریم» (عضو هیئت‌مدیره تعاونی مرزنشینان خاو و میرآباد، مریوان).

یکی از مهم‌ترین مقولاتی که در این پژوهش استخراج شد، مربوط به آگاهی اعضا و مردم مناطق مرزی از وجود تعاونی، و کارکردها و نقش‌های آن است. در مصاحبه‌ها با خیل مردم این مناطق، این نکته محرز شد که آن‌ها فقط اسمی از تعاونی شنیده‌اند و از انتخابات هیئت‌مدیره، اعضای هیئت‌مدیره، مدیرعامل تعاونی، و اقدامات و عملکرد تعاونی‌ها آگاهی ندارند. ناآگاهی ساکنان از تعاونی‌ها یکی از مهم‌ترین مسائلی بود که به نقش و جایگاه تعاونی مربوط می‌شد:

«واقعاً این بحث مهمه که چرا مردم از تعاونی خبر ندارند. این نشون می‌ده که اونا حتی درگیر تعاونی نیستن و مطلع نیستن از وجود این تعاونی‌ها که آیا فعال هستند یا نه. به نظر بنده، تعاونی‌ها می‌تونن تأثیر زیادی رو معیشت روستاییان بذارن، اما متأسفانه با این وضعیت به‌وجودآمده، عملاً تعاونی‌ها کاری برای روستاییان انجام ندادن و همین امر باعث دل‌سردی مردم روستاها از تعاونی‌ها و مشارکت‌نداشتن اونا شده. اونا حتی توی انتخابات هیئت‌مدیره هم مشارکت نمی‌کنن» (هیئت‌مدیره تعاونی ۳۲۳۰ بیساران سروآباد).

با توجه به شرایط زمینه‌ای توسعه‌نیافتگی مرز، و همچنین شرایط علی و مداخله‌ای در ناکارآمدی تعاونی‌های مرزنشین، پیامدهای این امر در شکست تحقق اهداف تعاونی‌ها و متعاقباً بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی برای مناطق مرزی مورد مطالعه، خود را نشان داده است.

پیامدها: شکست اهداف تعاونی و بروز آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی

همان‌طور که گفته شد، مهم‌ترین هدف ایجاد و استقرار تعاونی‌های مرزنشین، بهبود معیشت مرزنشینان و توسعه این مناطق است، اما وضعیت موجود نشان می‌دهد نه تنها این اهداف محقق نشده است، بلکه تعاونی‌ها با شکست مواجه شده و عملاً کاربرد و کارکرد چندانی برای ساکنان مناطق مرزی نداشته‌اند. با توجه به مصاحبه‌ها و داده‌های سازمان‌های مربوطه، می‌توان پیامدهای این شکست را در کاهش فعالیت آن‌ها، کاهش اعضا، عدم برگزاری جلسات و انتخابات هیئت‌مدیره، کاهش سهمیه ارز تخصیصی و نبود برنامه جامع برای ماندگاری آن‌ها ذکر کرد. مصاحبه‌ها نشان می‌دهد این وضعیت، پیامدهای دیگری هم داشته که عملاً مناطق مرزی را به سمت انزوا، فروپاشی اجتماعی-اقتصادی و نبود مشارکت سوق داده است. مقولات مستخرج

از مصاحبه‌ها، هریک بعدی از این آسیب‌ها را نشان می‌دهند. در نتیجه شکست سیاست‌های دولتی، و سیطره دولت و نهادهای بر مناطق مرزی، عملاً تعاونی‌ها و مشارکت‌ها در سطح توسعه محلی به انزوا رفته و این امر سبب شده تعاونی‌ها که معیار مشارکت مردمی و همچنین میزان فعالیت تجاری و اقتصادی ساکنان مرزی هستند، با چالش‌هایی مواجه شوند که از عهده برطرف کردن آن‌ها برنمایند.

بی‌توجهی به اشتغال مرزنشینان، یکی از مهم‌ترین مباحثی بود که مصاحبه‌شوندگان دلیل محکمی برای ارائه بسیاری از ضعف‌ها و ناکارآمدی برنامه‌های توسعه‌ای در این مناطق مدنظر داشتند؛ اشتغالی که با وجود پتانسیل‌ها و ظرفیت‌ها در حوزه‌های کشاورزی، دامداری، توسعه مبادلات مرزی و... محقق نشده، و با بی‌توجهی و طرد روستائینان این مناطق عملاً اشتغال پایدار به امری ناممکن بدل شده است (دانش مهر و همکاران، ۱۳۹۹). از این رو مردم این مناطق به سمت کولبری می‌روند و معیشت خود را از این راه کسب می‌کنند که این امر آسیب‌های بسیار جدی به همراه داشته است و دارد (هدایت و باسیتی، ۱۳۹۹). یکی از مصاحبه‌شوندگان با تأکید بر نقش تعاونی‌ها در صورت کارآمدی آن‌ها، بر کاهش این معضلات و آسیب‌ها تأکید داشت و گفت:

«الان ما با مسائل زیادی از جمله بیکاری جوانا، اعتیاد، آسیب‌های خانوادگی، کولبری و آسیب‌های اون مثل کشته شدن کولبرها، زخمی شدن، آسیب‌های روانی و... مواجه هستیم. خب اگه واقعاً تعاونی به اون نحوی که باید باشه وجود داشت، قطعاً این معضلات و آسیب‌ها کم می‌شدند، اما متأسفانه این تعاونی‌ها حتی نمی‌تونن برای چند نفر مدیرعامل و هیئت‌مدیره و اینا هم سودمند باشند؛ چه برسه به روستائینان و اعضا شون» (عضو تعاونی ۳۲۲۱ کوماسی، مریوان).

یکی از مهم‌ترین مسائل مناطق مرزی مورد مطالعه، بحث ماندگاری روستائینان در مناطق مرزی است که جزء اهداف تعاونی‌ها قلمداد می‌شده است. یکی از مهم‌ترین دلایلی که سبب مهاجرت از روستاها به شهرهای مریوان و بانه شد، کسب درآمد آنی از بازارچه‌های مرزی و کولبری بود که موجب شد روستائیان به جای سرمایه‌گذاری در روستاها، به شهرها مهاجرت و عمدتاً سرمایه خود را در خرید خانه و زمین صرف کنند. این مسائل موجب شده زیست‌پذیری اجتماعی-اقتصادی در این مناطق کاهش پیدا کند (هدایت و باسیتی، ۱۴۰۰). علی‌رغم برنامه‌ها و

سیاست‌ها برای افزایش زیست‌پذیری این مناطق، شاهد عدم ماندگاری روستانشینان و مهاجرت به شهر هستیم:

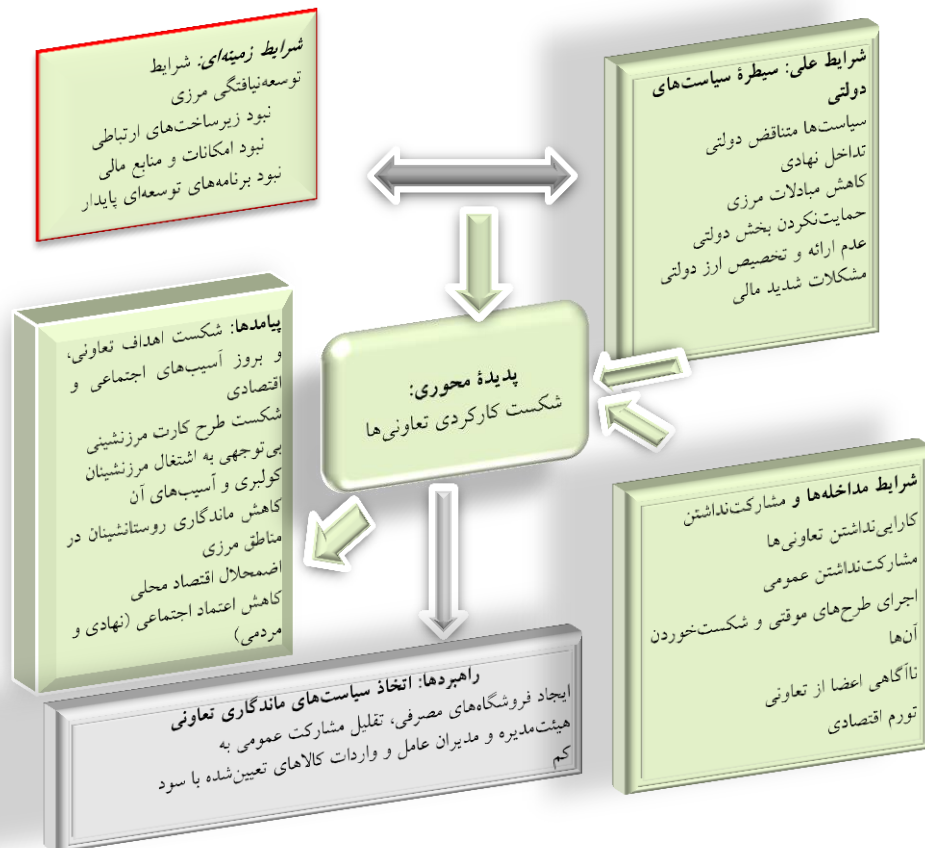
«اون چند سالی که مرز باز بود و مردم درآمد زیادی کسب کردن، به شهر اومدن. همه داشتن خودشون رو به آب و آتیش می‌زدن. خیل عظیم روستاییان به شهر بانه اومدن و اینجا اکثراً توی مناطق حاشیه، زمین و خونه خریدن. الان فضای شهر بانه از ۸۰۰ هکتار به ۱۲۰۰ هکتار رسیده و جمعیتش از ده سال اخیر تا الان دو برابر شده و به ۱۶۰ هزار نفر رسیده» (مطلع کلیدی در امور مرز، بانه).

وضعیتی که شرح آن رفت، در یک بستر اقتصادی هم می‌توان بیشتر در مورد آن بحث کرد. تعاونی‌های مرزی با تأکید بر اقتصاد پویا و فعال در زمینه واردات و صادرات، و تأمین مایحتاج روستاییان، رسمیت و مشروعیت کسب کرده‌اند، اما این امر به‌طور واقعی محقق نشده است. علاوه بر آن، وجود تعاونی‌های ناکارآمد و نوعی توسعه مرز محور در قالب بازارچه‌های مرزی، سبب اضمحلال اقتصادی محلی شده که از راه کشاورزی و دامداری تأمین می‌شده است. این امر در چند سال اخیر و با وجود مشکلات شدید اقتصادی در کشور، به مرزنشینان فشار زیادتری آورده است؛ به‌طوری‌که تعاونی‌ها هم از عدم تخصیص ارز، مشارکت مالی‌نداشتن روستاییان و به تبع آن، مشکلات شدید مالی رنج می‌برند. یکی از اعضا در این مورد به تأثیر مشکلات اقتصادی و تورم شدید بر ناتوانی ماندگاری تعاونی‌ها و کاهش نقش آن‌ها تأکید کرد. این امر، همراه با بی‌اعتمادی به نهادهای دولتی، مدیرعاملان و هیئت‌مدیره‌ها، سبب شکست تعاونی‌ها و مواجه شدن آن‌ها با اضمحلال شده است. یکی از اعضای هیئت‌مدیره، روند وضعیت تعاونی‌ها را در شرایط اقتصادی کنونی چنین بیان کرد:

«شما بگید یه قرون هم به سهم اون تعاونی اضافه نشده. اومدن گفتن به‌خاطر تورم و گرونی و اینا، با هفتصد میلیون پولی داشتن، فروشگاه زدن... این فروشگاه هم هیچ تمایزی برای مرزنشین‌ها قائل نیست؛ یعنی به همون قیمتی که به مردم توی شهر کالا می‌فروشه، برای ما هم همون قیمته» (عضو هیئت‌مدیره تعاونی مرزنشینان خاو و میرآباد).

نکته قابل‌تأمل در این پژوهش، تأکید بر راهبردهایی است که از جانب تعاونی‌ها برای تداوم کار خود و همچنین نقش‌آفرینی‌شان در اقتصاد مناطق مرزی انجام گرفته یا قرار است اتخاذ

شوند؛ بنابراین با طرح این پرسش که چه راهبردهایی برای کاهش پیامدها و آسیب‌ها با توجه به نقش و جایگاه تعاونی‌ها اتخاذ کرده یا می‌کند، می‌توان نتیجه‌گیری را ارائه داد.



شکل ۱. مدل پارادایمیک توسعه‌نیافتگی تعاونی‌های مرزنشینان استان کردستان

منبع: یافته‌های پژوهش

بحث و نتیجه‌گیری

مناطق مرزی کشور از جمله مناطق حاشیه‌ای و توسعه‌نیافته هستند که به دلیل شرایط اقتصادی-سیاسی و جغرافیایی، اقتصاد غیررسمی بر شیوه معیشت مردمان این مناطق حاکم است. اقتصاد مرزی ذیل اقتصاد غیررسمی نشان از آن دارد که در کنار اقتصاد رسمی و دولتی که بیشتر

نهادهایی مانند گمرک بر آن سیطره دارند، نوعی از اقتصاد ایجاد شده که برآورد و تخمین آن قابل پیش‌بینی و رصد نیست. این اقتصاد در مناطق مرزی مورد مطالعه بیشتر خود را در قالب کولبری، قاچاق کالا، دستفروشی در شهرهای مرزی و گردشگری تجاری و... نشان داده است. در این میان، اما تعاونی‌های مرزنشینان، با هدف بهبود وضعیت معیشت مرزنشینان تأسیس شده‌اند تا در این نوع از اقتصاد نقش داشته باشند و به اقتصاد غیررسمی مرزی سروسامان بدهند. پژوهش حاضر با در نظر داشتن این اهداف، به چگونگی نقش و جایگاه آن‌ها در این اقتصاد پرداخت؛ بنابراین به سراغ تعاونی‌های فعال و نیمه‌فعال در چهار شهرستان استان کردستان رفتیم و با ۴۱ نفر از اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعاملان مصاحبه کردیم.

نتایج نشان داد شرایط زمینه‌ای توسعه‌نیافتگی مرزی که مهم‌ترین آن نبود زیرساخت‌های ارتباطی و اقتصادی است، نقش اولیه و مهمی در ایجاد بستر توسعه‌نیافتگی این مناطق و به تبع، تعاونی‌ها داشته است. نتایج این بخش با نتایج پژوهش حیدری و همکاران (۱۳۹۴) همخوانی دارد که نبود زیرساخت‌ها را یکی از مهم‌ترین عوامل و موانع فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین دانستند. عوامل و شرایط علی و مداخله‌ای، بیانگر سیطره سیاست‌های متناقض دولتی و نبود برنامه جامع و مشارکت عمومی در مورد تعاونی‌ها است. آنچه مهم و اساسی است، اهداف استقرار تعاونی‌های مرزی است که در میدان مورد مطالعه محقق نشده است. به عبارت دیگر هدفی که تعاونی‌ها برای بودن و مشروعیت‌دادن به خود در این مناطق قائل شده‌اند افزایش سطح معیشت مرزنشینان است که نه تنها محقق نشده، بلکه پیامدها و آسیب‌هایی منفی را هم برای آن اجتماعات رقم زده است. یافته‌های این بخش هم‌راستا با پژوهش لی‌بائوپه و همکاران (۲۰۰۴) است که به تأثیرات منفی اجتماعی از جمله نبود ثبات و امنیت اجتماعی، فروپاشی روابط و بازاری شدن تعاونی‌ها پرداختند. این امر در پژوهش حاضر، به پیامدهایی از جمله شکست طرح کارت مرزنشینی، بی‌توجهی به اشتغال مرزنشینان، کولبری و آسیب‌های آن، کاهش ماندگاری روستائینان در مناطق مرزی، اضمحلال اقتصاد محلی و مشکلات شدید اقتصادی منجر شده است. یافته‌های این پژوهش با پژوهش هدایت و باسیتی (۱۳۹۹) که به وضعیت اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده در این مناطق پرداخته‌اند، همخوانی دارد. همچنین این نتایج، با نتایج پژوهش دانش‌مهر و هدایت (۱۳۹۷) که به فروپاشی سرمایه اجتماعی در تعاونی‌های تولید استان کردستان پرداختند، مطابقت دارد. این پژوهش با در نظر داشتن پیامدهای حاصل از وضعیت

موجود به این نتیجه می‌رسد که این تعاونی‌ها به کاهش اعتماد اجتماعی در دو بعد نهادی و مردمی منجر شده‌اند.

به‌عنوان راهبردهای اتخاذ شده و در راستای کاهش مشکلات و پیامدهای منفی، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعاملان این تعاونی‌ها درصدد تلاش برای حفظ تعاونی‌ها برآمدند. اقداماتی هم که بدین منظور انجام دادند، بیشتر در حد بسیار ضعیف بود که می‌توان نمونه‌هایی از آن‌ها را چنین ذکر کرد: ایجاد فروشگاه‌های مصرفی، تقلیل مشارکت عمومی به هیئت‌مدیره و مدیرعاملان، واردات کالاهای تعیین شده با سود کم و... از برآیند این وضعیت می‌توان به پدیده محوری این پژوهش شامل شکست کارکردی این تعاونی‌ها رسید که از وضعیت واقعی آن‌ها حکایت دارد.

ساختارهای خاص اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی نقاط مرزی ایجاب می‌کند که راهبرد کلان توسعه این مناطق، براساس حداکثر استفاده از امکانات موجود تنظیم شود؛ به‌گونه‌ای که آثار مثبت آن بتواند بر آثار سوء ناشی از مهاجرت و تخلیه نقاط مرزی و رواج معاملات غیرمرزی تأثیر بگذارد. شکوفایی این توانمندی‌ها و استعدادهای بالقوه مناطق مرزی، و افزایش عمران و آبادانی این مناطق، از حداقل‌هایی است که می‌تواند بسیاری از معضلات و مشکلات نقاط مرزی را حل کند؛ بنابراین می‌توان برای ماندگاری و ارتقای جایگاه، و نقش تعاونی‌ها به اتخاذ راهکارهای حمایتی و نظارتی دولتی، به‌ویژه تخصیص ارز دولتی، ایجاد بستر واردات و صادرات بیشتر، و آزادی عمل در این امر پرداخت. همچنین به‌منظور سامان‌دهی و کنترل وضعیت مالی، مشارکتی و جلوگیری از سوءمدیریت در تعاونی‌ها در قالب نظارت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان، لازم است شورای نظارتی برای تعاونی‌ها ایجاد کرد.

یکی از ضعف‌های اساسی تعاونی‌های مورد مطالعه، کمبود مشارکت عمومی و محدودشدن مشارکت به هیئت‌مدیره و مدیرعامل تعاونی‌ها بود. این امر همچنین سبب ناآگاهی روستاییان از وجود تعاونی‌ها، کاربرد و کارکردهای آن در مناطق مرزی شده بود. می‌توان برای رفع این ضعف، به تقویت مشارکت عمومی جامعه روستایی با اقداماتی از جمله مشارکت در اجرای برنامه‌های تعاونی، افزایش مشارکت مالی روستاییان، برگزاری انتخابات به‌موقع، برگزاری جلسات و نشست‌ها اقدام کرد. همچنین هیئت‌مدیره را وادار به ارائه گزارش سالانه تعاونی کرد

تا از سوءمدیریت‌ها و فساد در تعاونی‌ها جلوگیری شود و بتوان از این طریق اعتماد را به تعاونی‌ها بازگرداند.

با توجه به تأثیر مشکلات و تورم شدید اقتصادی بر ناتوانی عملکردی تعاونی‌ها و کاهش نقش آن‌ها در معیشت مرزنشینان، می‌توان راهکارهایی برای تقویت بنیه مالی تعاونی ارائه کرد. این راهکارها می‌تواند در بخش عمومی جامعه روستایی از جمله مشارکت در سرمایه‌گذاری و سود تعاونی، و در بخش دولتی، افزایش سهمیه ارزی تخصیصی و حمایت از صادرات و واردات کالاهای اساسی و پرسود باشد.

منابع

- باینگانی، بهمن و جلائی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۹). برساخت تاریخ اجتماعی و بسترهای تکوین و تداوم اقتصاد غیررسمی (بازار و تجارت مرزی در بانه)، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، سال بیست‌ویکم، شماره ۱: ۳۲-۷۰.
- حیدری، حسین، علی‌بیگی، امیرحسین و بینائیان، اکرم (۱۳۹۴). موانع و راهکارهای فعال‌سازی تعاونی‌های مرزنشین استان کرمانشاه، *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، سال چهارم، شماره ۱۴: ۸۹-۱۰۹.
- خانزادی، آزاد و صادقی‌نسب، شبنم (۱۳۹۶). رشد متوازن اقتصادی در چارچوب آمایش سرزمین (مطالعه موردی استان کردستان)، اولین همایش بین‌المللی برنامه‌ریزی اقتصادی، توسعه پایدار و متوازن منطقه‌ای رویکردها و کاربردها، دانشگاه کردستان و دانشگاه پلی‌تکنیک سلیمانی.
- خیرالدین، رضا و رازپور، مهدی (۱۳۹۸). پیامدهای فضایی اقتصاد غیررسمی مرزی در شهرستان مرزی بانه کردستان، *دوماهنامه اقتصاد بانه*، شماره ۳۱: ۱۰۲-۱۲۴.
- دانش‌مهر، حسین، خالق‌پناه، کمال و هدایت، عثمان (۱۳۹۹). توسعه مرز محور و اضمحلال ظرفیت‌ها و فرصت‌های اجتماعات مرزی؛ با تأکید بر نقد بازارچه‌های مرزی (مورد مطالعه: بازارچه‌های مرزی نور شهرستان بانه و خاو و میرآباد شهرستان مریوان)، *برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، سال دوازدهم، شماره ۴۳: ۲۴۱-۲۷۸.
- دانش‌مهر، حسین، کریمی، علیرضا و محمودی، جهانگیر (۱۴۰۰). اتنوگرافی نهادی سیاست خودگردانی در تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)، *فصلنامه تعاون و کشاورزی*، سال دهم، شماره ۳۷: ۳۸-۶۲.

دانش مهر، حسین، کریمی، علیرضا و هدایت، عثمان (۱۳۹۸). زیست‌جهان مرزنشینان و سیاست‌های گمرکی مطالعه‌ای در باب کولبران شهرستان مریوان، *مجله مطالعات اجتماعی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۲: ۷۹-۵۵.

دانش مهر، حسین و هدایت، عثمان (۱۳۹۷). تحلیل روایت ذی‌نفعان از فروپاشی سرمایه اجتماعی در میان تعاونی‌های تولید روستایی (مورد مطالعه: تعاونی‌های تولید روستایی استان کردستان)، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، سال دهم، شماره ۲: ۲۰۷-۲۳۰.

زرقانی، سید هادی (۱۳۸۶). عوامل ژئوپلیتیکی مؤثر بر نقش و کارکرد مرزها با تأکید بر مرزهای ایران، *فصلنامه ژئوپلیتیک*، سال سوم، شماره ۲: ۱۱۶-۱۴۷.

سایت سازمان صنعت، معدن و تجارت استان کردستان، بخش آمار و اطلاعات، دسترسی در: https://www.mimt.gov.ir/fa/general_content/478327

شایگان‌فرد، فرهاد، محسنی تبریزی، علیرضا، نایی، هوشنگ، جلایی‌پور، حمیدرضا و نوربخش، یونس (۱۴۰۰). بساخت پدیده نابرابری اجتماعی-سیاسی در استان کردستان، *توسعه محلی (روستایی-شهری)*، سال سیزدهم، شماره ۲: ۴۸۱-۵۰۹.

doi: 10.22059/jrd.2021.331083.668674

صادقی، حسین، وفایی یگانه، رضا و غفاری، محمدحسن (۱۳۸۹). گسترش اقتصاد غیررسمی و تهدید فرهنگ اقتصادی، *ماهنامه مهندسی فرهنگی*، ۲(۱۲): ۷۳-۸۹.

فرانستخواه، مقصود (۱۳۹۸). روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه برپایه «گراند تئوری GTM»، تهران: آگاه.

کوهسار، فاطمه، محمدی، رضا و گزمه، علیرضا (۱۳۹۵). بررسی نقش بازارچه‌های مرزی در امنیت، اشتغال و توسعه مناطق مرزی (مطالعه موردی: بازارچه مرزی میلک زابل)، *پژوهشنامه مطالعات مرزی*، سال چهارم، شماره ۳: ۷۹-۱۰۱.

محمدپور، اعظم (۱۳۹۶). تأثیر درآمدهای نفتی بر اقتصاد زیرزمینی در ایران: رهیافت فضا-حالت، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد*، دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبایی.

نانکلی‌کل‌آبادی، مصطفی، عباسی سمنانی، علیرضا و اسدیان، فریده (۱۴۰۰). تحلیلی بر اقتصاد غیررسمی در توسعه اقتصاد روستایی (مطالعه موردی: استان کردستان)، *جغرافیای سرزمین*، سال هجدهم، شماره ۶۹: ۸۰-۶۱.

هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۳۹۹). مرزنشینان، اقتصاد مرزی و آسیب‌های خانواده (مورد مطالعه: شهرهای مرزی بانه و مریوان)، *رفاه اجتماعی*، سال بیستم، شماره ۷۷: ۱۴۱-۱۸۰.

هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۴۰۰). عوامل مؤثر بر کاهش زیست‌پذیری اجتماعی-اقتصادی در روستاهای مرزی شهرستان بانه، *اقتصاد فضا و توسعه روستایی*، سال دهم، شماره ۳۷: ۱۲۹-۱۵۲.

هدایت، عثمان و باسیتی، شهرام (۱۴۰۰). مرزنشینان و وابستگی به نهادهای حمایتی: مردم‌نگاری نهادی سیاست‌های حمایتی در روستاهای مرزی دهستان خاو و میرآباد شهرستان مریوان، *پژوهش‌های روستایی*، سال دوازدهم، شماره ۱: ۸۰-۹۳.

- Andersson, C. M., Bjärås, G., Tillgren, P., & Östenson, C. G. (2005). A longitudinal assessment of inter-sectoral participation in a community-based diabetes prevention programme. *Social Science & Medicine*, 61(11), 2407-2422.
- Charmes, J., Gault, F., & Wunsch-Vincent, S. (2013). Formulating an Agenda for the Measurement of Innovation in the Informal Economy. *The informal economy in developing nations: Hidden engine of innovation*, 22, 336-66.
- Cohen, L., Manion, L., & Morrison, K. (2007), *Research Methods in Education*, (6th Ed). Routledge.
- Henley, A., Arabsheibani, G. R., & Carneiro, F. G. (2009). On defining and measuring the informal sector: Evidence from Brazil. *World Development*, 37(5), 992-1003.
- Http://marzneshinan.blog.ir (2021).
- ILO. (2015). Formalization of the informal economy: Area of Critical Importance (GB.325.POL.1.1). Geneva: ILO, 2015.
- Leebouapao, L., Phonesaly, S., Phetsamone, S., Souphith, D., & Vanthana, N. (2004). Lao PDR cross border economy, case study in Dansavanh, Savannakhet, and Houaysai/Tonpheung, Lao PDR.
- Niebuhr, A., & Stiller, S. (2002). *Integration effects in border regions-A survey of economic theory and empirical studies* (No. 879-2016-64210).
- Nwankwo, F., Ewuim, N., & Asoya, N. P. (2012). Role of cooperatives in small and medium scale enterprises (SMEs) development in Nigeria: challenges and the way forward. *African Research Review*, 6(4), 140-156.
- Romero, R. (2009). *The Dynamic of Informal Economy*, London: Oxford University Press.